برهشت چیز الوهیت و ربوبیت و رحمه و مالکیة و عبادت و استعانة و هدایة و صفت اولیا و اعدا و تفاصیل این جمل بر وجهی که بیت
الهی اقتضا کرده در سوره بقره مذکور است اولا وصف الوهیة و وحدانیت که از الحمد لله مستفاد شده و هشت آیه از بقره آمده
صفت ربوبیت و دلایل صنع او از آفرینش آسمان و زمین و خلقت آدم و غیر آن که رب العالمین ازان خبر میدهد در یازده آیه
ثالثا صفت رحمت که رحمن و رحیم مخبر از آنست در سه آیه رابعا نشان روز جزا که ظهور عظمت مالک یوم الدین در آنست در سه آیه
خامسا عبادت که از فحوای ایاک نعبد مفهوم میشود سه نوع است بدنی و مالی و مشترک میان هر دو آنچه بدنی است یکی نماز است و دران بیان
بحث قبله که از فرایض اوست دوازده آیه در سوره مذکور است دیگری روزه است و ما یتعلق بها از افطار و اعتکاف و دران چهار
آیه مسطور است دیگری جهاد و رتبه شهادت و ثواب شهدا و دران هفده آیتست و آنچه مالیست زکوة است و صدقه و نفقه
و در بیان آنها نوزده آیتست و آنچه مال و بدن هر دو دران شرکت دارند حج است و در ذکر مشاعر و شعایر حج و صفت عمره
و بنای آن چهارده آیتست سادسا استعانة که از مضمون ایاک نستعین حاصل میگردد یا بر قول میباشد یا بر فعل اما قولی
دعا و سوال از کبریاست و آن در سه آیتست اما فعلی و آن عبارتست از افعالی که بدان مکلف شده اند و علمی که تعلق با فعال مکلفین
دارد فقه است و آن بر چهار رکن اشتمال دارد اول عبادات و ایاک نعبد شامل آنست که ذکر رفت و سه رکن باقی یکی مناکحات
و در بیان نکاح و طلاق و عده و ایلا و رضاع و آنچه بدان منسوبست درین سوره نوزده آیه مسطور یافته دیگر معاملاتست
از مداینه و ربوا و رهن و مانند آن و در کیفیت اینها هفت آیه است دیگر حلال و حرام یافتست و منع از اکل حرام و شرب
و خمر از کتاب میسر و قصاص و صایا و درین باب یازده آیتست سابعا هدایت که در ضمن اهدنا الصراط المستقیم اندراج یافته
نمودن راه راستست و راه راست بقول بعضی از علما کتاب الله است و در باب کتاب درین سوره چهار آیه نازل شده
ثامنا مدح دوستان که صراط الذین انعمت علیهم متکفل آنست و آنها انبیا اند و اولیا و مومنان و درین سوره سی و یک آیه
متکفل صفت ایشانست هفده در شان انبیا و چهارده در وصف اولیا و اهل ایمان و دیگر ذم دشمنان که غیر المغضوب
علیهم و لا الضالین مشتمل بر آنست و آنها چهار طایفه اند مشرکان و منافقان و یهود و نصاری و درین سوره صد و شانزده آیه
در باب ایشانست چهارده در مذمت اهل شرک و شانزده در منقصه ارباب نفاق و هشتاد در نکوهش جهودان و پنج
ترسایان و چون دویست و هشتاد و شش آیه بقره تفصیل معانی هفت آیه است از فاتحه لاجرم در ترتیب قرآنی بعد ازان مسطور
و مزبور والله اعلم بحقایق الامور الم و این حروف با سایر اخوات او اسما اند و مسمیات ایشان حروفیست که کلمات
ازان ترکیب می یابد و آنرا باصطلاح علما حروف زبر میگویند و آنچه جز حروف اوست آنرا بینات میخوانند و اسم
مجموع زبر و بینات اوست و اما آنکه هر یک ازینها همست بصورت حرف می نویسند جهت متابعت خط امام
مقطعات میگویند بجهت انقطاع ایشان از سایر اخوات و اختصاص ایشان بذکر با منقطع بودن از صفت ترکیب در تهجی
که بوقعند و غواصان دریای معانی کتاب آسمانی را درین حروف مقطعات که ظروف برکات و درین رموز

لکنوز

که کنوز بشارا شد سخن بسیار است و بعض این اقوال یاد کرده می آید بر سبیل اجمال والتوفیق من عالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال بدانکه
علما را در حروف مقطعه سه قول است قول اول آنکه معرفت این حروف سری محجوب و رمزیست مستور که غواص عقل درین دریا سباحت
نمیتواند کرد و ملاح فهم سفینه فکر را از گرداب او بیرون نمیتواند آورد بیت در بحر مران که رو بجای نرود . بر آب نشان پی ندهد
کسی . از بادیه تحمل این حروف بجانب کعبه معانی او راه نتوان یافت و در صحرای نامیدای سرابش جز بقدم دهشت نتوان شتافت
و چون مراد او علی القطع معلوم نیست پس بظاهر او ایمان باید داشت و نظر بر دریافت حقیقه او نباید گماشت در اتقان آورده که
حروف مقطعه با ضافت با اصطلاح وضعی عربی مفهوم المراد نیست پس سر مکتوم باشد و کشف الاسرار که این حروف از متشابهات است
و ما یعلم تاویله الا الله حق سبحانه بدانستن آن منفردست و عقول خلق از دریافت آن بعجز و قصور مستند بیت عقل کل
آموز اینجا ابتر است . کین کمال از حد دانش برتر است . در ینابیع آورده که فاروق را از معنی این حروف پرسیدند گفت اگر در وی
سخن گویم متکلف باشم که خدای تعالی پیغمبر خود را فرموده که بگو و ما انا من المتکلفین و از ذو النورین روایت کرده اند که الحروف
المقطعة من المکتوم الذی لا یفسر شعبی رحمه الله ازین سوال کردند گفت سر الله فلا تطلبوه این سر خداوند تعالی است درین راه پای
طلب در دامن عجز کشید و سر تفکر در زانوی تحیر نهید که اینجا دست هوس بگریبان مراد و نظر امید بر چهره مقصود نمی افتد بیت
تشریف وصال تو باندازه کس نیست . اندیشه آن لعل بدندان هوس نیست . و اگر کسی ازین طایفه که مقطعات را مفهوم نمیدانند
سوال کند که چون قرآن برای کشف حقایق و انفتاح مشکلات فرود آمد وضع چندین مشکل که پای فهم صد هزار عاقل
اندیشه آن بگل عجز فرو مانده چه خبر تواند بود جواب میگویند که حق را در انزال این حروف حکمتهاست اول امتحان عباد
بدان با وجود عدم علم بآن و چنانچه امتحان بافعال واقع میشود باقوال نیز میباشد مثلا افعالی که بندگان مکلف شده اند دو نوعست
اول آنکه وجه حکمت آن فی البدایه مفهوم شده چون نماز که سرش نیاز و تضرع است و متصف شدن بصفت خضوع و تواضع و زکوة
که حقیقتش سعیست در تمهید اساس شفقت و رحمت و دفع کربت احتیاج از ارباب فقر و مسکنت و صوم که فایده اش
کسر شهوتست و معتاد شدن نفس بصبر و محنت و علی هذا النوع دوم آنست که مطلقا وجه حکمت آن اکثر عقول در نیافته چون
انداختن از رمی جمرات و وقوف بر عرفات و سعی میان صفا و مروه و امثال آن و محققان متفق اند بر آنکه همچنانچه حکیم علی الاطلاق
نیکو می آید بندگان از نوع اول فرمودن همچنان زیبا نماید بنوع دوم نیز تکلیف نمودن چه از تکلیف نوع اول از افعال
بر انقیاد و کمال ارادت زیرا که مطلقا که مامور چون وجه حکمت آن دانسته باشد و مصلحتی در ضمن آن خیال البته نظر بران حکمت و مصلحت
مقصدی آن عمل کرد و اما در اشتغال بنوع ثانی کمال انقیاد و نهایة تسلیم ظاهر است برای آنکه عقل او دران کار نظر بهیچ مصلحتی نمی افتد
و وجه حکمتی در مباشرت آن او را روی ننماید همین مجرد فرمان بردارست و تعلیم امر حضرت باری پیش او اقوال نیز چنین
اگر که حق سبحانه کلامی به بندگان فرو فرستاده که بر معنی بعضی ازان وقوف دارند و بر حقایق بعضی مطلع نشده
قسم ثانی ظهور انقیاد و تسلیم مامور باشد و در عین المعانی فرموده که سلاطین در اطلاقات خود بر رعایا علامتها میکنند که کسی ازین

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)